

بررسی تحلیلی تناص قرآنی در شعر ملا عبدالکریم مدرس

(مطالعه موردپژوهانه: دیوان ثنا و سکالا)

عبداله رسول نژاد^۱

مسعود باوان پوری^۲

سودابه جعفری^۳

چکیده

قرآن کریم و مسائل مربوط به آن، پیوسته از موضوعات مهمی بوده که نصب‌العین پژوهشگران و محققان قرار گرفته است. تأثیر ژرف آموزه‌های این کتاب مقدس از زمان نزول آن تا عصر حاضر بر همگان آشکار است. این تأثیرپذیری تنها به دوران نزول قرآن و ادبیات قدیم عرب محدود نمی‌شود بلکه شاعران معاصر حتی شاعرانی از سایر زبان‌ها و ادیان نیز تحت تأثیر مفاهیم و ارزش‌های قرآنی قرار گرفته‌اند. ملا عبدالکریم مدرس یکی از شاعران برجسته کرد زبان است که از جایگاه ارزشمند و ممتازی در ادبیات کردی برخوردار می‌باشد. وی به تفسیر قرآن به زبان کردی پرداخته و واضح است که از آن تأثیر گرفته است. ایشان دارای آثار مختلفی در زمینه شعر و دین می‌باشد که یکی از آنها دیوان "ثنا و سکالا" (ستایش و التماس) است. شاعر در این کتاب، گاهی از عین آیه قرآنی یا برگردانی از آن به زبان کردی استفاده نموده. نویسندگان برآند تا به روش توصیفی - تحلیلی نمونه‌هایی از این تأثیر را بیان نمایند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، ادبیات کردی، ملا عبدالکریم مدرس، ثنا و سکالا، تناص

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان.

۲. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آبادغرب.

Email: mdianatie@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه خوارزمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۰۱

۱. مقدمه

از زمان نزول قرآن کریم، زیبایی خیره‌کننده و ارزش والای مضامین و الفاظ آن، همواره در بین شاعران و ادیبان ادوار مختلف و زبان‌های گوناگون مطرح بوده است و بدون شک قرآن یکی از مهم‌ترین منابع و مآخذ الهام شاعران و یکی از سرچشمه‌های میراث و تمدن بشری است. این کتاب گرانسنگ به دلیل وحیانی بودن و برخوردار بودن از جمال لفظی و معنوی وصف‌ناشدنی، همواره الگوی بسیاری از شاعران و ادیبان بوده است و کمتر شاعری را می‌توان یافت که در دیوان اشعارش، تلمیحی به آیات قرآنی نداشته یا اقتباس و تضمینی از آن‌ها نگرفته باشد. ملاعبدالکریم مدرس یکی از شاعران برجسته کرد زبان می‌باشد که از جایگاه ارزشمند و ممتازی در ادبیات کردی برخوردار است. وی به تفسیر قرآن به زبان کردی پرداخته است. ایشان دارای آثار فراوانی می‌باشد که در اکثر آن‌ها متأثر از آیات قرآنی است. نویسندگان این جستار، دیوان «ثنا و سکالا» را انتخاب نموده‌اند تا بازتاب کتاب مقدس الهی را در شعر وی بررسی کنند. در این جستار، ابتدا ابیاتی که متعلق به آیات قرآنی است، استخراج و با توجه به کردی بودن اشعار، مفهوم یا ترجمه‌ای از آن ارائه؛ سپس آیه مورد استفاده ذکر شده است.

درباره بازتاب قرآن کریم در دیوان شاعران به طور عام و پیرامون زندگی ملاعبدالکریم مدرس، تاکنون پژوهش‌های ارزنده‌ای عرضه شده است ولی تاکنون پژوهشی ویژه در مورد بازتاب قرآن کریم در دیوان یادشده، انجام نگرفته است.

این جستار در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

ملاعبدالکریم تا چه میزان و چگونه از آیات قرآنی بهره گرفته است؟

شاعر به بیان کدام صفات الهی در این دیوان پرداخته است؟

۱.۱. زندگی‌نامه شاعر

علامه ملاعبدالکریم مدرس ملقب به "ملاعبدالکریم" فرزند محمد در روستای تکیه در نزدیکی خورمال در ماه ربیع‌الاول ۱۳۳۲ قمری به دنیا آمد. شاعر در کودکی پدر خود را از دست داد. وی از سنین کودکی شروع به خواندن قرآن کریم نمود و با آن انس و الفت گرفت. ملاعبدالکریم علاقه فراوانی به آموختن داشته و بنابر این به شهرهای مختلف به قصد کسب علم سفر نموده؛ از جمله در جنگ جهانی اول به سلیمانیه، سپس به پاره رفته و در زمینه‌های مختلف تحصیل نموده است. وی به واسطه هوش و ذکاوت فراوان در بیست سالگی اجازه فتوا و تدریس دروس اسلامی را کسب نمود و به روستایی در نزدیکی حلبچه رفته و شروع به تدریس کرد (ر. ک. ابراهیمی محمدی، ۱۳۷۹: ۴۰۴-۴۰۳).

ملا عبدالکریم مدرس یکی از دانایان کرد و از سیدهای برزنج مقیم سلیمانیه بوده است. وی در کتابخانه شیخ عبدالرحمن تدریس می کرده و شاگرد بسیاری از مشهوران کرد مانند: مولانا خالد شاره زوری، مولانا ابراهیم بیاری، سیدعلی برزنجی، شیخ عبدالله خرپانی و... بوده است (مردوخ روحانی، ۲۰۱۱: ۲۷۹).

۲.۱. بینامتنی (تناص)

ابن منظور لفظ "نص" را به ارائه کردن و عرضه کردن تعریف کرده است. «النص، رفعك الشيء. نصّ الحديث ينص نصاً، رفعه؛ و كل ما قد أظهر فقد نصّ» (ابن منظور، ۱۹۹۲، ج ۱۴: ۱۶۲). تناص بر وزن تفاعل است که بر مشارکت و تداخل دلالت دارد و در اصطلاح یعنی این که یک متنی پیشین در متنی جدید داخل شود (جابر، ۲۰۰۷: ۱۰۸۰). پس تناص عبارتست از «روی دادن رابطه تفاعلی بین متن پیشین و متن حاضر، برای تولید متن لاحق (آتی)» (مرتاض، ۱۹۹۱: ۷۵). غذایی در تعریف تناص آورده است: «تناص در اصطلاح یعنی این که چند متن در یک متن دیگر بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، داخل شوند» (غذامی، ۱۹۹۳: ۴۵).

اصطلاح تناص و یا بینامتنی، ترجمه مصطلح غربی (Intertextuality) به معنی اندیشه انتقال معنی یا لفظ یا هردو از یک متن به متنی دیگر و یا ارتباط متنی با متن یا متون دیگر می باشد (عبدالعاطی، ۱۹۹۸: ۴). اعتقاد عامه این است که "تناص" برای اولین بار به عنوان یک اصطلاح، توسط ژولیا کریستوا در سال های ۱۹۶۷ و ۱۹۶۶ در بحث های متعددی در دو مجله (Tel-quel) و (critique) ظهور یافت (انجینو، ۱۹۸۷: ۱۰۱). اصطلاح تناص (بینامتنیت)، ابتدا توسط ژولیا کریستوا در اواخر دهه شصت میلادی و پس از بررسی آرا و افکار باختین مطرح شد (مکاریک، ۱۳۸۵: ۷۲). اما صفوی معتقد است که این اصطلاح را نخستین بار صورت گرایان روسی، به ویژه ویکتور اشکولوفسکی، در مقاله "هنر به مثابه تمهید"، متأثر از منطق کلمه یا منطق گفت و گویی باختین مطرح کردند (صفوی، ۱۳۷۶: ۱۲۷۶).

به تعبیر کریستوا، بینامتنی گفتگویی میان متون و فصل مشترک سطوح مربوط به آن است. هر متنی مجموعه معرق کاری شده نقل هاست، هرمتنی دگرگون شده متن دیگر است (ویکلی، ۱۳۸۴: ۴). محمد مفتاح معتقد است نمی توان متنی را تصور کرد که خالق آن بدون هیچ پیش زمینه ای آن را نوشته باشد یا از هرگونه رابطه ای با متن های دیگر دور باشد و متن را از صفر شروع کند، زیرا انسان نمی تواند خود را از قید محدوده و وضعیت زمانی و مکانی آزاد سازد (مفتاح، ۱۹۷۷: ۱۲۳).

اگرچه اصطلاح "تناص" در آثار و نوشته های برجامانده از قدمای عرب آشکارا به کار برده نشده، در کتاب های قدیمی و در میان نقاد قدیم عرب با اصطلاحات دیگری به کار گرفته شده است مانند تعریف اقباس که در نقد قدیم وجود داشته است. «اقباس آن است که کلام چیزی از قرآن یا حدیث در بر داشته باشد» (حلبی، ۱۹۸۰: ۳۲۳). ابن اثیر تضمین را این گونه تعریف کرده است: «این که شاعر یا ادیب، شعر یا نثر خویش را با کلامی از دیگری به قصد کمک به تأکید معنای مورد نظر خویش به کار گیرد» (ابن اثیر، ۱۹۹۵: ۲۰۳).

۲. بازتاب قرآن کریم در دیوان‌ها و سکالاً*

از اشعار ملا عبدالکریم چنین برمی‌آید که وی با قرآن کریم انس و الفتی دیرینه داشته و تقریباً در اکثر ابیات این دیوان از آیات و مضامین قرآنی استفاده کرده است. استفاده شاعر از آیات قرآن کریم در اشعار خود به صورت‌های گوناگون و با استفاده از صناعاتی چون ایما و اشاره، اقتباس، حل و تحلیل و تضمین صورت گرفته است. نویسندگان در این جستار به تقسیم‌بندی اشعار بر اساس نحوه استفاده از این صناعات پرداخته‌اند و در هر کدام از ابیات به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که شاعر در استفاده از آیات قرآنی به کدام موارد و مضامین تأکید داشته است.

۲.۱. صنعت اشاره و ایما

یکی از انواع صناعات در استفاده از مضامین قرآن کریم و احادیث در متون ادبی اشاره یا ایما است. در مورد ایما و اشاره بیان گردیده است که «الاشارات الاتیان بکلام قلیل ذی معان جمه بایماء الیها و لحمه تدل علیها» (عسکری، ۱۹۷۱: ۳۵۸). در واقع در ایما و اشاره، شاعر بخش کوچکی از آیات یا احادیث را در شعر خود وارد می‌کند، به طوری که مخاطب آگاه به مضامین دینی و مذهبی با مشاهده آن بخش کوچک، متوجه آیه و حدیث مورد نظر می‌گردد. در بین دیگر صناعات یاد شده، صنعت اشاره و ایما بیشترین بسامد را در اشعار ملا عبدالکریم مدرس به خود اختصاص داده و شاعر بیشترین بهره را از آن جسته است.

شاعر در بیت زیر به سوره بقره اشاره نموده است که در آن، حضرت ابراهیم^(ع) و فرزندش، اسماعیل^(ع)، پس از ساخت کعبه چند دعا نموده و در یکی از آن‌ها از خداوند خواسته‌اند که در میان آن قوم رسول و فرستاده‌ای مبعوث نمایند. این واقعه در قرآن کریم آمده بدین صورت بیان شده است: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (بقره/۱۲۹).

ملا عبدالکریم در بیت زیر بخش کوچکی از ابتدای آیه بالا را با استفاده از صنعت اشاره، بیان نموده است. شاعر در مصراع اول به موعود بودن بعثت پیامبر اشاره دارد و بیان می‌کند که ابراهیم خلیل‌الله همراه فرزند خود، در هنگام پایان بنای کعبه برای بعثت پیامبر دست به دعا برداشته‌اند و در مصراع دوم برای بیان سند درستی گفتار خود بخش ابتدایی آیه مورد نظر را بیان نموده است

توئ مه‌به‌س له ناو دوعائ خه‌لیلا به نایه‌ئ (و ابعث فیهم رسولا)

(ص ۷)

to'e mabas la nawdoæ'xalya// baaya'e wabasfyhem'fasula

*- لازم به ذکر است به جهت پرهیز از ذکر مداوم منبع (دیوان مورد نظر) تنها به ذکر صفحات اکتفا شده است.

ترجمه: ای پیامبر! تو کسی هستی که دعای «و ابعث فیهم رسولا» شامل تو می‌شود.

اولین فرمانی که در هنگام نزول قرآن بر پیامبر اسلام ابلاغ گردید، فرمان به خواندن و یا تکرار آیات الهی بوده است. این دستور خداوند در آیه «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» (علق/ ۱) بیان گردیده است. ملا عبدالکریم در بیت زیر به این واقعه اشاره کرده و در مصراع اول بیت، بخش ابتدایی این آیه مبارک را با هدف رساندن معنا و مضمون کامل سوره علق به کار گرفته است؛ گرچه هم‌زمان، صفت خالق بودن خداوند را در مدنظر داشته است. با توجه به اینکه شاعر در این بیت به بخشی از آیه مذکور اکتفا و از بیان کامل آیه چشم‌پوشی کرده، می‌توان گفت در این بیت از صنعت اشاره و ایما در بیان مضامین و آیات قرآنی سود برده است.

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» ی فہر موو هہ تا پینج نایہت یہ کہم دہرزی بوو

(ص ۱۸)

pašbesm-e llah-e fahman-e fahym // aw jubraeylibaqadr-o takrym

eqrabesm-e fabe kifarmu // ha tapē njāe atyakendarzē bu

ترجمه: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» فرمود به پیامبر^(ص) و آن آیه تا پنج مرتبه تکرار شد.

مدح نبوی در اشعار ملا عبدالکریم بازتاب خاصی دارد که می‌توان به جرأت ادعا کرد که بخش عمده‌ای از ابیات دیوان وی را به خود اختصاص داده است. این توجه خاص شاعر نشان‌دهنده ارادت خاص وی به محضر پیامبر گرامی اسلام می‌باشد. شاعر در بیت زیر برای توصیف پیامبر، صفت «هاورازه‌ک‌هی جبرئیل» (همراز جبرئیل) را به کار برده و وی را «خوشه و یسته‌ک‌هی رب العالمین» (عزیز خداوند عالمیان) را خوانده است. در مصراع دوم رب العالمین بیان‌کننده یکتایی خداوند برای تمام عالمیان می‌باشد. شاعر در مصراع دوم رب-العالمین را که بخشی از آیه «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (حمد/ ۲) می‌باشد، با استفاده از صنعت اشاره و ایما به کار گرفته است.

ئہئ ہاورازہ کہ یجیبیریلی نہمین خوشه و یسته کہئ (رب العالمین)

(ص ۱۹)

ae'hawf'azakae'jebryliamin// xošaw'e stakae'fabelalamyn

ترجمه: ای همراز جبرئیل امین و ای عزیز و محبوب «رب العالمین».

بسیاری از پیام‌های قرآن کریم برای جهانیان، پیام بشارت به رحمت الهی و انذار از قهر خداوند است. این پیام الهی همواره در موارد گوناگون و آیات مختلف بر پیامبر^(ص) نازل گردیده است. با توجه به اینکه تمام افعال الهی نشأت گرفته از رحمت بی‌کران الهی است، می‌توان گفت که انذار خلق الله از قهر الهی خود نوعی نشان از رحمت خداوند می‌باشد. یکی از آیاتی که بر این امر دلالت دارد، «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ» (مدثر/ ۲۱) می‌باشد که پیامبر را به انذار خلق امر می‌کند. ملا عبدالکریم به عنوان یکی از شعراي کرد که ارادت

خاصی به پیامبر اکرم (ص) دارد، در بیت زیر که در مقام و منزلت پیامبر (ص) سروده است، بخش پایانی آیه فوق را با استفاده از صنعت اشاره و ایما به کار گرفته است.

نای بووت سوورده‌ی به‌رزی «مدثر» نئمری بوو هینای به «قم فأنذر»

(ص ۲۲)

nae but suraibarzimodaser // amribuhe'nae'baqomfaanzer

ترجمه: سوره‌ی والای مدثر را برای تو فرو فرستاده و در آن امر نموده که «قم فأنذر».

یکی از القاب مبارک پیامبر (ص) رحمة للعالمین است. قرآن کریم در آیه «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء / ۱۰۷) پیامبر (ص) را رحمتی از جانب خدا معرفی می‌کند که برای تمام عالمیان به رسالت برانگیخته شده است. «رحمت به معنی مهربانی، نرمی و نرم‌خویی است که نیکی کردن به طرف مقابل را اقتضا می‌کند» (اصفهانی، بی تا، ج ۲: ۸۰). ذکر این ویژگی برای پیامبر گذشته از نشان دادن جایگاه معنوی وی، خود بیان‌کننده رحمت بی‌کران الهی است. مدرس در بیت زیر این لقب قرآنی پیامبر (ص) را که بخشی از آیه فوق می‌باشد، با استفاده از صنعت اشاره به کار برده است.

بوویه قودوومی به خه‌یرو ته‌مکین بوو به هوئ پرحمهت «علی العالمین»

(ص ۸۱)

buyaqwedume'baxae'r-o tamkyn // bubahoe'fahmatalalamyn

ترجمه: قدم‌هایش خیر و برکت و وجودش سبب رحمت (علی العالمین) است.

داستان سرد شدن آتش بر ابراهیم خلیل‌الله همواره دستمایه‌ی برای شاعران بوده است که از آن استفاده‌های تشبیهی، استعاری و نمادین نموده‌اند. این واقعه در قرآن کریم بیان گردیده شده است که یکی از این آیات، آیه-ی «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰی اِبْرَاهِیْمَ» (انبیاء / ۶۹) می‌باشد که به سرد شدن آتش بر ابراهیم خلیل‌الله اشاره کرده است. ملاعبدالکریم در بیت زیر با استفاده از صنعت اشاره بخش زیادی از این آیه را استفاده نموده است که هدف وی از این اشاره، بیان رحمت و بخشش خداوند بر بندگان خاص خود می‌باشد

«یا نار کونی بردا و سلام» کردت به پاریز له دوردو نالام

(ص ۸۹)

yanar-o kunibardanwasalam // kardatbaparyzla dard-o alam

ترجمه: «یا نار کونی بردا و سلام» تو را از درد و آلام حفظ کرد.

۳۵ بررسی تحلیلی تناص قرآنی در شعر ملا عبدالکریم مدرس... ﴿﴾

شاید یکی از پربسامدترین پیام‌های الهی، پیام رحمت خداوند است که در آیات گوناگون به اشکال مختلف بیان گردیده است. یکی از همین آیات آیه «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف/ ۱۵۶). یکی از مفاهیمی که شاعر در بیشتر موارد بر آن تکیه دارد، مسئله رحمت الهی است که شاعر با استناد به آیات گوناگون همواره آن را بیان کرده است. یکی دیگر از همین موارد در دیوان ملا عبدالکریم بیت زیر می‌باشد که بیان‌کننده وسعت رحمت الهی است. شاعر در این بیت بخشی از آیه فوق را با استفاده از صنعت اشاره در بیت خود گنجانده است

«رحمتی وسعت کل شیء» به سس بوو ره جای ره حمهت له خودای نه قدهس

(ص ۱۶۸)

rahmatiwoseatkoll-e Šayenbas // bufajæ fahmat la xwedæ aqdas

ترجمه: «رحمتی وسعت کل شیء» کافی است برای امیدواری به خداوند اقدس.

یکی از صفات خداوند عزیز بودن است که در آیه «يُقُولُونَ لَئِن رَّجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (منافقون / ۸) بدان اشاره شده است. ملا عبدالکریم در بیت زیر صفت عزیزی پروردگار را به کار برده است. شاعر در این بیت از صنعت اشاره استفاده نموده است.

په‌روه‌ردگاری عه‌زیزی به زات عیززه‌تی ره‌ه‌به‌ر له‌لای توه‌ه‌ات

لله العزة و للرسول و للمؤمنين عند الوصول

(ص ۱۱۵)

parwardegaryazyzybazat // ee'zatyfahbarla lae'tuahat

lellah-el ezawalefasule // walelmomnynendalwosule

ترجمه: تو پروردگاری و ذاتاً عزیزی و عزت رهبر (پیامبر ص) از جانب توست

«لله العزة و للرسول» و برای مؤمنان به هنگام رسیدن.

تسلط و اشراف شاعر بر مضامین قرآنی چنان قابل توجه است که در بسیاری از ابیات وی انعکاس یافته است. این تأثیرپذیری شاعر از قرآن کریم تا بدان جایی است که شاعر در بسیار از موارد برای توصیف خداوند و شأن پیامبر وی از صفات و اصطلاحات قرآنی بهره جسته است. در مصراع اول بیت زیر شاعر دواصطلاح قرآنی «مصور و احسن تقویم» را که در دو آیه «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (حشر / ۲۴) و «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین / ۴) با استفاده از صنعت اشاره به کار برده است.

توی (مصور) ی به (أحسن تقویم) توی ری‌نومای حقه بو صدق و ته‌سلیم

(ص ۱۱۸)

toe'mosawarybaahsantaqwym // toe'fe'nomæ'haqbusedq-o taslym

ترجمه: تو «مصور» هستی به «أحسن تقویم» و تو راهنمای حق به صدق و تسلیمی.

از جمله صفات دیگر خداوند که شاعر در بیت زیر بدان توجه کرده، صفت رزاقی خداوند است که شاعر آن را نشانی دیگر از لطف، تدبیر و رحمت خداوندی معرفی می‌نماید. در قرآن کریم و در آیه «وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق/ ۳) به صفت رزاقیت خداوند اشاره شده که خداوند روزی را از جایی می‌رساند که انسان انتظار آن را ندارد. شاعر در ابیات زیر با استفاده از صنعت اشاره بخش‌هایی از آیه فوق را به‌کار برده است. همچنین در ابیات زیر شاعر از دیگر اصطلاحات و واژگان قرآنی که در آیه «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى» (طه/ ۶) ذکر گردیده‌اند، بهره جسته است.

رّه‌زاقی رپووزی غه‌بووق و سه‌بووح به‌قووتی نوفووس هه‌به قووتی رپووح

له خاک له هه‌وا له قوولی ده‌ریا (ماتحت الثری) هه‌تا ثوره‌ریا

به‌لام (متقی) یا (مکتسب) بی رزقی (من حیث لا یحتسب) دی

(ص ۱۲۲)

razaqyfuzyabuq-osabuh // baqutynofus ha baqutyfuh

la xakla hawa la qulydarya // matahat-al saraha tasoraya

ba'amnotaqiyamoktasebbi // fezqimen hays-o layahtaseb di

ترجمه: رزاق روزی غروب و صبح و قوت جان و روح است

از خاک و هوا تا عمق دریا و «ماتحت الثری» تا برسی به ثریا

لکن کسی «متقی» یا «مکتسب» باشد، رزق او «من حیث لا یحتسب» می‌آید.

از دیگر صفاتی که همگی بر علم و حضور خداوند در همه مکان‌ها و زمان‌ها اشاره دارند، صفاتی چون بصیر، سمیع، علیم و خبیر بودن خداوند است. این صفات خداوندی در آیه‌های گوناگون قرآن کریم ذکر گردیده‌اند که از جمله این آیات، آیه‌های «سحان الذي أسري بعبده ليلا من المسجد الحرام الي المسجد الاقصي الذي باركنا حوله لئريه من آياتنا انه هو السميع البصير» (اسراء/ ۱) و «و اذ اسر النبي الي بعض ازواجه حديثا فلما نبات به واطهره الله عليه عرف بعضه واعرض عن بعض فلما نباها به قالت من انباك هذا قال نباني العلیم الخبیر» (تحريم/ ۳) می‌باشد. ملا عبدالکریم در بیت زیر این صفات خداوند را به زیبایی بر شمرده

۳۷ بررسی تحلیلی تناص قرآنی در شعر ملاعبدالکریم مدرس... ﴿﴾

که این گونه استفاده وی در قالب صنعت اشاره انجام گرفته و شاعر به ذکر همین صفات منهای بخش‌های دیگر آیات اکتفا کرده است.

بوو ده‌نگ و بووره‌نگ (سمیع و بصیر) بی‌ره‌نگ و بی‌ده‌نگ (علیم خبیر)

(ص ۱۲۸)

bu dang-o bufangsamiobasyr // be'fang-o be' dangalym-o xabyr

ترجمه: نسبت به صدا و رنگ، «سمیع و بصیر» است و نسبت به بدون رنگ و بی‌صدا، «علیم خبیر» است.

عدالت خداوند به عنوان آشکارترین صفت وی در جهان هستی می‌باشد که با نگاهی واقع‌بینانه برای انسان قابل تبیین و تشریح است. عدالت خداوندی از طرفی بر صفت رحمانیت خدا دلالت دارد و از طرف دیگر بر علم و بصیرت وی متکی است. عدالت خداوند در آیات گوناگون و در قالب‌های مختلف در قرآن کریم بیان گردیده. از جمله این آیات، آیه «ان الله لا یظلم مثقال ذرة و ان تك حسنه یضاعفها ویوت من لده اجرا عظیما» (نساء / ۴۰) می‌باشد که با توجه به مفهوم آیه، عدالت خداوند را در ریزترین موارد بازگو می‌نماید. این صفت خداوند با توجه به نگاه قرآنی ملاعبدالکریم در شناخت و معرفی صفات خداوند، از دیدگاه تیزبین وی پنهان نمانده است. در بیت زیر شاعر با استفاده از صنعت اشاره و ایماء بخش‌هایی از این آیه را در بیت خود ذکر کرده است

به (لا یظلم مثقال ذره) ده رکه‌وت، عه‌دلی تو لهم کور و که‌ره

(ص ۱۳۱)

ba layazlemmesqat-o zafa // darkawtdli to lam kü r-o kafa

ترجمه: با «لا یظلم مثقال ذرة»، عدل الهی برای افراد کور و کر نیز مشخص و آشکار گشت.

خداوند در موارد گوناگون به بندگانش این اطمینان را داده است که اگر در راه خدا قدم بردارند، خداوند آنها را حفظ خواهد کرد. این نکته در آیه «وَ رَبُّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ حَفِیْظٌ» (سبأ / ۲۱) نیز بیان گردیده است. شاعر در بیت زیر این صفت خداوند را تشریح نموده و دو جنبه از صفت حفیظ بودن خداوند را یعنی نگهدارندگی از وسوسه شیطان و حفاظت روح انسان از طغیان را تفسیر کرده است. شاعر در بیت زیر از اصطلاح قرآنی «حفیظ» که در آیه بالا آورده شده، با استفاده از صنعت اشاره و ایماء بهره جسته است.

یا (حفیظ) ی دل له داوی شه‌یتان یا (حافظ) ی روح له هه‌وای توغیان

(ص ۱۳۸)

yahafyzideh la dawišae'tan // yahafezifuhla hawaitoyyan

ترجمه: ای «حفیظ» دل در مقابل دام شیطان و ای حافظ روح در برابر هوای طغیان و سرکشی. خداوند در آیه «ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» (هود/۶۱) فرموده است که وی التماس توبه‌کنندگان را جواب خواهد داد. شاعر در بیت زیر «مجیب» را که جزء صفات رحمانیت و بخشندگی خداوند محسوب می‌گردد، با استفاده از صنعت اشاره به کار برده است.

ئه‌ئ خودای (مجیب) بو، حاجت‌مه‌ندان له بوو سکا‌لای گیشت ده‌رده‌مه‌ندان

(ص ۱۴۳)

ae'xwedæ' moji buhaj atmandan // la buseka laæ' geš dardamandan

ترجمه: ای خداوند «مجیب» نسبت به حاجتمندان و التماس تمام دردمندان.

علم و بصیرت الهی همواره مورد توجه بسیاری از شاعران و ادیبان در حوزه شعر و ادب دینی و اعتقادی بوده است. این توجه خاص شاعران به صورت‌های گوناگون نمود یافته است. از جمله این نموده‌ها بیان خود آیات الهی در ابیات شعر این شاعران می‌باشد. ملا عبدالکریم در مصراع دوم بیت زیر بخشی زیادی از آیه «ان الله علي كل شيء شهيد» (حج/۱۷) را که درباره علم الهی می‌باشد، با استفاده از صنعت اشاره به کار برده است.

په‌روه‌ردگاری قه‌ریب و به‌عید و علی کل الاشیاء شهید

(ص ۱۴۷)

parwardegar iqaryb-o baeyd // waalakoll-el ašya-ešahyd

ترجمه: پروردگار دور و نزدیک و «علی کل الاشیاء شهید».

۲.۲. تضمین

نوعی دیگر از انواع صناعات در استفاده از آیات قرآنی در اشعار و آثار ادبی، گنجاندن تمام یک آیه در بیت یا مطلبی است که به این نوع استفاده تضمین گفته می‌شود. در واقع تضمین «در لغت یعنی گنجاندن؛ در علم بدیع عبارت از این است که شاعر آیتی از قرآن یا حدیثی از معصوم یا مصراع‌ی یا بیتی یا دو بیتی از شعر (یا نوشته) شاعر و نویسندگان پیشین یا معاصر را در سروده خود می‌آورد». شاعر در تضمین تمام یک آیه یا حدیث را بدون انتخاب یا حذف بخشی از آن در بیت خود به کار می‌برد (حلبی، ۱۳۸۳: ۶۰).

اولین آیات الهی نازل شده بر پیامبر توسط جبرئیل، آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» است که بعد از آن پیامبر با حالتی همراه ترس و تحیر بیان می‌دارد که سواد خواندن و یا به عبارتی دیگر توانایی تکرار آن آیه را ندارد،

جبریل به خواست و از زبان خداوند، حضرت محمد^(ص) را دلداری و دل گرمی می دهد که «بخوان به نام خدایی که تو را خلق کرده است». این اولین آیاتی است که بر پیامبر و متعاقباً مسلمانان وارد گردید که تماماً بیان کننده لطف و رحمت بی کران خداوند است. به عبارت دیگر اولین پیام خداوند از زبان پیامبر وی، پیام بخشندگی، لطف و رحمت بی کران الهی است. شاعر در بیت زیر از این آیه برای بیان مضامین ذهنی خود استفاده کرده است. در بیت زیر شاعر تمام آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» را در مصراع اول تضمین نموده است. با توجه به معنای آیه که در بردارنده صفات بخشندگی و بخشایشگری خداوند است، شاعر در تضمین این آیه به همین صفات خداوند که دلالت بر رحمت بی کران وی است، نظر داشته است.

پاش «بسم الله الرحمن الرحیم» نه و جووربه ثیلی به قه درو ته کریم

(ص ۱۸)

Paš besm-e llaḥ-e fahman-e fahym // aw jubraeylibaqadr-o takrym

ترجمه: بعد از گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم»، آن جبریل بزرگوار ...

در زمان پنهان شدن پیامبر و ابوبکر صدیق از تعقیب مشرکان در غار، ابوبکر صحابی دچار دلهره و اضطراب می گردد و پیامبر به دلداری وی بر می آید. این دل گرمی پیامبر که نشأت از ایمان وی به خداوند باری- تعالی می باشد، در آیه «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» (توبه / ۴۰) منعکس گردیده است. این آیه نشان از همراهی همیشگی خداوند با آن دسته از مؤمنانی است که با توکل بر خداوند در امور مختلف ثابت قدم می مانند. شاعر در مصراع دوم بیت زیر تمام این آیه را با استفاده از صنعت تضمین به کار برده است.

نه تووش بیت فهرموو به لیبو به په نا (لاتحزن ان الله معنا...)

(ص ۳۱)

atušpytfarmubale wbapana // la tahzanennallahamaana

ترجمه: تو نیز به آرامی به او فرمودی: «لاتحزن ان الله معنا».

در قرآن کریم در میان تمام پیامبران الهی، از محمد^(ص)، در کمال فضایل اخلاقی یاد گردیده است. «محمد در میان همه انسان ها، تنها انسانی است که انسانیت کامل در او جلوه گر و نهاد او به معنویتی ارادی آمیخته است. چه، خلق و خوی نیکویی که می تواند برخاسته از اراده و مایه گرفته از تربیت باشد، در نهاد او جای داشت.» (ابوزهره، ۱۳۷۵: ۳۴۸). یکی از آیات قرآن که به همین نکته اشاره کرده، آیه «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم / ۴) می باشد. ملا عبدالکریم در بیت زیر، در مصراع اول پیامبر^(ص) را استاد بزرگ اخلاق و مصلح جامعه معرفی می کند و در مصراع دوم آیه فوق را برای ثبات گفتار خویش به کار برده است.

نوستادئ گه ورهئ جامیعهئ ته نریم (انک لعلی خلق عظیم)

(ص ۴۲)

ostad'e gawrae'jame'ae' tanzim // ennakalaalaxoloqenazim.

ترجمه: استاد بزرگ جامعه که «انک لعلی خلق عظیم» هستی.

۳.۲. حل و تحلیل

نوعی دیگر از انواع استفاده از مضامین قرآنی و احادیث، با صنعت حل و تحلیل می‌باشد که «در آن آیه را برای وزن شعر حل کرده است و در آن تغییراتی داده است» (حلی، ۱۳۸۳: ۶۳). به عبارت دیگر شاعر طوری آیه و مضمون آن را در بیت به کار می‌گیرد که آیه از شکل اولیه خود خارج شده و در چهارچوب بیت حل می‌گردد.

بشارت به معنای ابلاغ مژده و خبر خوش است و «نذیر صفت مشبیه به مفهوم هشداردهنده و بیم‌دهنده- ای است که این مأموریت را به شکل مداوم به انجام می‌رساند و منذر اسم فاعل از مصدر انذار می‌باشد» (عباسی مقدم و عباسی، ۱۳۸۶: ۲۶). یکی از آیاتی که دلالت بر فرستاده بودن پیامبر از طرف خداوند برای رسالت بشارت و انذار خلق الله دارد، آیه «و ما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا و نذیرا ولکن اکثر الناس لا یعلمون» (سبأ / ۲۸) است. این آیه به روشنی رسالت مهم پیامبر اکرم (ص) را بازگو می‌کند. در بیت زیر شاعر پیامبر را فرستاده‌ای بزرگوار می‌شمرد که برای بشارت و انذار خلق آمده است. شاعر معنا و مضمون آیه را در بیت خود حل نموده؛ طوری که معنا و مضمون و حتی آیه از قالب اولیه خود خارج شده و در بیت شاعر حل گردیده است.

ئه‌ی فورستاده‌ی به‌رزی موعته‌به‌ر به‌شیر و نه‌زیر بوو (جن) و به‌شهر

(ص ۲۱)

ae'forestadae'barzimotabar // bašyr-u nazirbujen-u bašar

ترجمه: ای فرستاده‌الا و معتبر که بشیر و نذیر برای جن و بشر هستی.

شاعر در بیت زیر از خداوند طلب یاری می‌کند و از وی می‌خواهد که صبر و قدر و منزلت به او عطاء نماید و راهش را برایش هموار کند. با توجه به اینکه مضامین قرآنی نفوذ بسیاری در ذهن و زبان شاعر داشته است، شاعر در بیان دعاها و آرزوهایش نیز از مضامین قرآنی سود برده است. شاعر در بیت زیر برخی از این مضامین را که در آیات «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه / ۲۶ و ۲۵) وجود دارد، به کار برده است. با توجه به اینکه شاعر در اشاره به این اصطلاحات طوری برخورد کرده که چهارچوب آیه فوق از شکل اولیه خود خارج گردیده، می‌توان گفت که از صنعت حل و تحلیل در این بیت استفاده نموده است.

اشرح لی صدری و ارفع لی قدری و یسر امری و نور قبری

(ص ۱۸۶)

ešrahlysadrywarfaalyqadry // wayaseramrywanaverqabry

ترجمه: سینه‌ام را گشایش ده و منزلتم را والا ساز و امرم را آسان گردان و قیرم را پرنور ساز. یکی از القاب پیامبر اکرم (ص) که در قرآن نیز بدان اشاره شده، عنوان «خاتم النبیین» است. علامه طباطبایی در تعریف واژه خاتم در آیه ۱۴۰ سوره احزاب می‌فرماید: «خاتم به معنای هر چیزی است که با آن چیزی را مهر کنند مانند طابع و قالب که به معنای چیزی است که با آن چیزی را مهر نموده یا قالب زنند و مراد از "خاتم- النبیین" بودن آن جناب این است که نبوت با او ختم شده و بعد از او دیگر نبوتی نخواهد بود» (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۶: ۵۰۹-۵۰۸). این لقب پیامبر در آیه «ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولكن رسول الله وخاتم النبیین وکان الله بکل شیء علیما» (احزاب/ ۴۰) ذکر گردیده است. شاعر در بیت زیر این صفت پیامبر (ص) را مدنظر داشته و بخشی از آیه فوق را با استفاده از صنعت حل و تحلیل در مصراع دوم ذکر کرده است.

نه‌وهی سه‌بیده له بو مورسه‌لین نه‌وهی خاتمه له بو (نبیین)

(ص ۱۸۷)

awaysayeda la bumorsalyn // awayxatama la bunabyen

ترجمه: او سید و سرور مرسلین و خاتم نبیین است.

۲. ۴. اقتباس

«در فن بدیع عبارت است از آوردن آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از رسول اکرم (یا معصومان دیگر) یا بیت معروفی است، به نحوی که معلوم باشد قصد اقتباس است نه سرقت و انتحال» (حلبی، ۱۳۸۳: ۶۸). در واقع در اقتباس مخاطب به روشنی متوجه می‌گردد که نویسنده یا شاعر مطلب مورد نظر را از کدام منبع اخذ نموده است و وی نیز طوری مطلب را بیان می‌دارد که از شائبه انتحال و سرقت در امان خواهد ماند. یکی از دیگر صناعاتی که ملا عبدالکریم در بیان آیات قرآنی از آن بهره جسته، صنعت اقتباس است که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌کنیم.

گفته شد بخش اعظمی از اشعار ملا عبدالکریم در توصیف، مدح و تفصیل و تفضیل شأن پیامبر اکرم (ص) سروده شده است. با توجه به این امر بسیاری از وقایع زندگانی آن حضرت نیز در اشعار وی انعکاس یافته است. با توجه به روایات موثق، معراج یکی از وقایع مهم زندگی پیامبر (ص) است که در قرآن به آن اشاره گردیده. یکی از همین آیات آیه «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ» (نجم / ۹) است که بیان می‌دارد پیامبر در شب معراج چنان به مقام خداوندی شرف قرب می‌یابد که به تعبیر قرآن از دو سر کمانی کاملاً کشیده شده، بلکه کمتر از آن نیز، نزدیک‌تر شده است. شاعر در بیت زیر واقعه معراج را بیان کرده است. صنعتی را که شاعر در بیت زیر در بیان مضامین قرآنی به کار برده، علی‌رغم استفاده از اصطلاح تشبیهی قاب قوسین، جزء صنعت اقتباس به حساب می‌آید؛ زیرا ملا عبدالکریم تمام مضمون بیت خود را که در مقام و منزلت پیامبر در شب معراج می‌باشد، به مضمون همین آیه اختصاص داده است.

هه‌تا مه قامی فه‌وقی عیلم و عین که ته‌قدیرکه‌را به (قاب قوسین)

(ص ۲۷)

hatamaqamifawqielm-o ayn // kataqdyrkarabaqabaqawsayn

ترجمه: تا جایی فراتر از علم و دیدن که معادل «قَاب قَوْسین» بود.

یکی از هوشمندانه‌ترین تصمیمات پیامبر، تصمیم آن حضرت در مورد هجرت از مکه به مدینه بوده که این تصمیم استراتژیک باعث استحکام بنای حکومت اسلامی گردید. سید قطب هدف اصلی این حرکت پیامبر را یافتن پایگاهی جدید برای رشد هرچه بیشتر اسلام تفسیر می‌کند. «رسول خدا^(ص) به پایگاه دیگری غیر از مکه نیاز داشت و این به نظرم مهم‌ترین عامل هجرت بود» (قطب، ۱۴۰۸، ج: ۱، ۲۹).

خداوند در قرآن کریم در آیه «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه / ۱۰۰) به این مهاجرت اشاره و پیروی کنندگان از پیامبر^(ص) را در این امر تحسین کرده است و آنان را صاحب خیر و برکت فراوان نامیده.

شاعر نیز در ابیات زیر به این امر توجه داشته است و مضمون کلی بیت را با استفاده از صنعت اقتباس از آیات فوق برداشت کرده.

(و السابقون الاولون) هات بو کووچی گه‌لی خاوه‌ن بهره‌کات

بو موهاجرین همه له بوو نه‌نصار (رضی عنهم الغفار الستار)

(ص ۸۹)

wasabequn-al avalunhat // bukuče'gale'xawanbarakat

bu mohajeryn ham la buansar // fazyaanhom-olyafar-olsatar

ترجمه: و «السابقون الاولون» آمد برای هجرت جمع صاحب برکت
برای مهاجران و نیز برای انصار «رضی الله عنهم الغفار و الستار» آمد.

۳. نتیجه‌گیری

تأثیرپذیری از قرآن کریم در شعر شاعران و ادیبان، از گذشته وجود داشته است و شاعران معاصر نیز از زبان‌های مختلف از این مانده آسمانی به فراخور ذوق و اندیشه خود بهره‌مند گشته‌اند. لطافت‌های لفظی و معنوی اشعار ملاعبدالکریم مدرس در این زمینه درخور بسی تأمل و درنگ است. با توجه به انس و الفت دیرینه شاعر با کلام وحی، وی با زیبایی خاصی از آیات وحی در شعر خویش بهره برده است. در بخش استفاده‌های لفظی، شاعر بیشتر از صنعت ایما و اشاره بهره گرفته است. بدیهی است که استفاده شاعر از قرآن کریم، بر قدرت و قوت آثار این شاعر بزرگ افزوده و محتوای شعرش را غنا بخشیده است.

کتابنامه

۱- قرآن کریم.

- ۲- ابراهیمی محمدی، محمد صالح (۱۳۷۹)، زانایانی کورد، سقز: چاپخانه محمدی.
- ۳- ابن الأثیر، ضیاء الدین (۱۹۵۹)، المثل السائر فی ادب الکاتب والشاعر، تحقیق احمد الحوفی، قاهره: دار النهضة العربية.
- ۴- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ۵- ابوزهره، محمد (۱۳۷۵)، خاتم پیامبران، ترجمه حسین صابری، تهران: انتشارات توس.
- ۶- اصفهانی، راغب (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، محمد سید کیلانی، بیروت: دار المعرفه.
- ۷- انجینو، مارک (۱۹۸۷)، فی أصول الخطاب النقدي الجديد، ترجمه احمد المدینی، بغداد: دار الشؤون الثقافية العامة.
- ۸- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۳)، تأثیر قرآن و حدیث در ادبیات، چاپ سوم، تهران: اساطیر.
- ۹- حلبی، شهاب الدین محمود (۱۹۸۰)، حسن التوسل إلى صناعة الترسيل، تحقیق اکرم عثمان یوسف، بغداد: وزارة الثقافة والإعلام.
- ۱۰- صفوی، کورش (۱۳۷۶)، مناسبات بینامتنی در حسن انوشه، فرهنگنامه‌ی ادب فارسی، دانشنامه‌ی ادب فارسی (۲)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۱۱- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر همدانی، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ۱۲- عباسی مقدم و عباسی، مصطفی و سلیمان (۱۳۹۰)، فرازهایی از قرآن و عترت، تهران: گنج معرفت.
- ۱۳- عبدالعاطی، کیوان (۱۹۹۸)، التناص القرآنی فی شعر أمل دنقل، قاهره: مكتبة النهضة العربية.
- ۱۴- عسکری، ابوهلال (۱۹۷۱)، الصناعتین، قاهره: دار الشروق.
- ۱۵- غذامی، عبدالله (۱۹۹۳)، الخطیئة والتفکیر، جدة: النادي الرياضي.

١٦- قطب، سید (١٤٠٨)، *في ضلال القرآن*، بیروت: دارالشروق.

١٧- مردوخ روحانی (٢٠١١)، *میژووی ناودارانى كورد*، هه‌ولیر: بی‌نا.

١٨- مفتاح، محمد (١٩٩٧)، *تحليل الخطاب الشعري، استراتيجية التناص*، بیروت: دار العودة.

١٩- مکاریک، ایرناریما (١٣٨٥)، *دانشنامه‌ی نظریات ادبی معاصر*، ترجمه‌ی مهران نجفی و محمد

نبوی، چاپ دوم، تهران: آگه.

مجلات

١- جابر، ناصر (٢٠٠٧)، *التناص القرآنی في الشعر العماني الحديث*، مجلة جامعة النجاح للأبحاث،

مجلد ١٢، شماره ٤٠.

٢- مرتاض، عبدالملک (١٩٩١)، *فكرة السرقات الأدبية ونظرية التناص*، جدة، مجلة علاقات النادی الأدبی

الثقافی، ش. ٢٢.

٣- ویکلی، کریستین (١٣٨٤)؛ *وابستگی متون، تعامل متون*، ترجمه‌ی طاهر آدینه پور، پژوهشنامه‌ی

ادبیات و نوجوان، شماره ٢٨.

